





شعبه ۳ به اتهام اقای ش. س. دایر بر حمل یک کیلو و هفتصدم گرم تریاک موضوع کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب رسیدگی و طی دادنامه شماره ۰۰/۸/۲۶ به شرح استدلال منعکسه بزهکاری متهم را محرز و مسلم دانسته و به استناد بند ۳ ماده ۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و تصویب نامه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ هیات وزیران درخصوص تعدیل میزان مبالغ جزای نقدی جرایم و تخلفات مندرج در قوانین و مقررات مختلف ، حکم به محکومیت نامبرده به تحمل ۲ سال و ۹ ماه حبس تعزیری درجه ۵ با احتساب ایام بازداشت قبلی و پرداخت مبلغ ۱۳۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی و تحمل ۴۹ ضربه شلاق تعزیری محکوم و درخصوص خودروی توقیفی که خانم ن. س. ( همسر متهم ) به عنوان مدعی مالکیت که تقاضای استرداد و رفع توقیف از خودرو را کرده ، صرف نظر از اظهارات مدعی مالکیت با توجه به میزان مواد و نحوه جاسازی ان و اظهارات اولیه متهم مبنی بر این که خودرو متعلق به فرد افغانی بوده و با مواد جاسازی شده جهت حمل تحویل وی شده و مضافاً مدعی مالکیت ، مدرکی دال بر پرداخت ثمن خودرو ارائه ننموده و اسناد خودرو به نام شخص ثالثی می باشد ، علم و اطلاع مالک واقعی خودرو را محرز و خودرو را حامل مواد شناخته و به استناد ماده ۳۰ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر حکم به ضبط خودروی حامل مواد به شماره انتظامی ۳ به نفع دولت صادر و رای را حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان اعلام کرده است. حسب ظاهر از دادنامه صادره تجدیدنظرخواهی صورت گرفته و شعبه ۳ حسب الارجاع وارد رسیدگی شده و رای دادخواسته را صادر کرده و خانم ن. س. با تقدیم دادخواست اعاده دادرسی مدنی خطاب به دیوان عالی کشور به دادگاه تجدیدنظر استان ۳ و این که قضات محترم بدوی و تجدیدنظر به دفاعیاتم توجه ننموده اند که مصادق بندهای ( ب و ت ) ماده ۴۳۴ قانون ایین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می باشد. ، تقاضای پذیرش اعاده دادرسی را کرده و شعبه ۳ به این استدلال که هر چند ارای صادره از دادنامه تجدیدنظر قابل اعاده دادرسی است. ولی می بایست به دیوان عالی کشور ارسال شود. و درخواست درحالی که اولاً دادنامه صادره از دادگاه تجدیدنظر به پیوست نبوده و ثانیاً دادنامه بدوی و مباحیه نامه عادی و نیز برگ استشهادیه م. نبوده اند به دیوان عالی کشور ارسال و پس از وصول و ثبت به کلاس فوق به این شعبه ارجاع گردیده است. هیات شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش عضو ممیز و بررسی اوراق پرونده و نظریه کتبی دادیار محترم دیوان عالی کشور جناب آقای ص. م. اجمالاً مبنی بر با توجه به ملاحظه اوراق ارسالی از سوی متقاضی اعاده دادرسی به هویت فوق الذکر و به لحاظ آنکه موضوع مطروحه فی الواقع ادعای مالکیت خانم ن. س. نسبت به خودروی ضبط شده به موجب حکم صادره از سوی دادگاه بدوی که مورد تایید دادگاه تجدیدنظر قرار گرفته می باشد. که این موضوع علی القاعده می بایست به صورت ماهوی مورد رسیدگی قرار گیرد لهذا با وصف فوق خارج از شیون رسیدگی در دیوان عالی کشور می باشد. و عقیده به رد ان دارد. ، مشاوره نموده چنین رای می دهد:

## رأى متن رأى

درخصوص درخواست خانم ن. س. مبنی بر اعاده دادرسی نسبت به دادنامه شماره ۰۰/۱۱/۱۰۰ صادره از شعبه ۳ صرف نظر از این که دادنامه دادخواسته ضمیمه درخواست نمی باشد. ، نظر به این که موضوع خواسته متقاضیه ( فارغ از عنوان درخواست و مرجع مخاطب ان ) اعاده دادرسی موضوع ماده ۴۷۴ قانون ایین دادرسی کیفری که مرجع رسیدگی به ان دیوان عالی کشور است. و فقط اشخاص مذکور در ماده ۴۷۵ همین قانون حق درخواست ان را دارند ، نبوده بلکه فی الواقع ادعای مالکیت بر خودروی ضبط شده می باشد. که رسیدگی به ان از شئون دیوان عالی کشور نبوده و در صلاحیت رسیدگی صادرکننده رای قطعی است؛ بنابه مراتب مذکور پرونده قابل طرح در دیوان عالی کشور نیست و مقرر می دارد؛ دفتر محترم- پرونده از امار موجودی کسر و به دادگاه محترم ارسال کننده جهت اقدام قانونی مقتضی اعاده گردد. غ

رییس شعبه چهاردهم دیوانعالی کشور: م. ص. مستشار: غ. خ. ر.